

سوره انعام آیه ۷۴ تا ۷۹

وَ إِذْ قَالَ اِبْرٰهٖمُ لِاَبِيْهِ اَزْرَ اُتَخِذُ اَصْنٰمًا ؕ اِلٰهَةً اِنِّىْ اَرَاكَ وَ قَوْمَكَ فِى ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ و (یاد کن) وقتی را که ابراهیم به پدرش آزر گفت: آیا بت‌هایی را معبود خود می‌گیری؟! همانا من تو و قومت را در گمراهی آشکاری می‌بینم.

* ابراهیم (ع) شخصیتی شناخته شده نزد مردم مکه، و مورد احترام آنان بود.

وَ إِذْ قَالَ اِبْرٰهٖمُ لِاَبِيْهِ ؕ اَزْر

همان گونه که مفسرانی مانند فخر رازی و آلوسی گفته‌اند، چون حضرت ابراهیم (ع) برای مشرکان مکه مورد احترام و شناخته شده بود، خداوند از زبان آن حضرت برای ابطال پندارهای مشرکان مطالبی ذکر فرموده است.

* آزر، پدر صلبی ابراهیم (ع) نبوده است.

إِذْ قَالَ اِبْرٰهٖمُ لِاَبِيْهِ ؕ اَزْر

روش قرآن در آیات مختلف مشابه این آیه ذکر نام و نشان افراد نیست. لذا تصریح به اسم آزر به صورت عطف بیان بدان جهت می‌تواند باشد که مراد از «اب» را روشن نماید که پدر حقیقی ابراهیم (ع) نبوده، بلکه عمو و یا پدر خوانده وی بوده است.

* آزر، فردی برجسته در میان قوم خویش

وَ إِذْ قَالَ اِبْرٰهٖمُ لِاَبِيْهِ ؕ اَزْر ... اِنِّىْ اُرِيْكَ وَ قَوْمَكَ

انتساب «قوم» به آزر بیانگر موقعیت برجسته وی در میان مردم است.

* بت‌های متعددی مورد پرستش آزر و قوم او بودند.

اُتَخِذُ اَصْنٰمًا ؕ اِلٰهَةً اِنِّىْ اُرِيْكَ وَ قَوْمَكَ

* خویشاوندی و پیوندهای اجتماعی نباید مانعی برای تبلیغ و مخالفت با الحاد گردد.

وَ إِذْ قَالَ اِبْرٰهٖمُ لِاَبِيْهِ ؕ اَزْر ... وَ قَوْمَكَ

* تبلیغ در بین خویشاوندان و بزرگان و سردمداران، دارای اولویت است.

وَ إِذْ قَالَ اِبْرٰهٖمُ لِاَبِيْهِ ؕ اَزْر

«آزر» علاوه بر خویشاوندی نزدیکش با ابراهیم (ع)، به تصریح «قومک»، از بزرگان و رؤسای قوم خویش نیز محسوب می‌شده است. و چون ظاهراً دعوت ابراهیم از این نقطه آغاز گشته، می‌تواند به عنوان الگو و معیاری در تبلیغ مطرح باشد.

* در تبلیغ توحید و مبارزه با عقاید شرک آلود باید صریح و قاطع بود.

اُتَخِذُ اَصْنٰمًا ؕ اِلٰهَةً اِنِّىْ اُرِيْكَ وَ قَوْمَكَ

* از امام صادق (ع) روایت شده است: «آزر» - پدر ابراهیم (ع) - منجم نمرود بود ...».

اتوضیح ضروری : در آیه ۷۴ سوره انعام : وَ إِذْ قَالَ اِبْرٰهٖمُ لِاَبِيْهِ ؕ اَزْرَ اُتَخِذُ اَصْنٰمًا ؕ اِلٰهَةً اِنِّىْ اَرَاكَ وَ قَوْمَكَ فِى ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ (۷۴)

منظور از اب ابراهیم، پدر واقعی حضرت ابراهیم علیه السلام نبوده است، زیرا: اولاً، در عربی منظور از اب به غیر پدر هم اطلاق می شود مانند عمو یا جد و ... ثانیاً، برای مومن سزاوار نیست که طلب آموزش برای مشرک داشته باشد، در حالی که حضرت ابراهیم در اواخر عمر برای والدین خود طلب آموزش می نماید پس پدر و مادر حضرت شایسته آموزش هستند. ثالثاً، طلب آموزش ابراهیم برای اب خود فقط به دلیل وعده ای بود که به او داده بود و پس از احراز شرک اب ابراهیم علیه السلام، حضرت ابراهیم علیه السلام از او تبری جست. [

آیه ۷۵

وَكَذَلِكَ نُرَى إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ لِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ وَ بدین گونه ملکوت آسمان ها و زمین را به ابراهیم می نمایانیدیم تا (حقایقی را دریابد و) از اهل یقین شود.

* خداوند سلطنت و مالکیت خویش (ملکوت) بر آسمانها و زمین را به ابراهیم (ع) نمایاند.

و كذلك نرى إبراهيم ملكوت السموت و الأرض

«ملکوت» به معنای «ملک» است؛ اگر چه تأکید بیشتری در معنا دارد. مراد از ملکوت در آیه شریفه وجود اشیا از جهت انتسابشان به خداوند و مشاهده ملکوت، رؤیت موجودات با این کیفیت است.

* مشاهده ملکوت، عیان دیدن بطلان و ضلالت شرک و لمس توحید در جهان هستی است.

إني أريك و قومك في ضلل مبين. و كذلك نرى إبراهيم ملكوت السموت

* ورود ابراهیم (ع) در زمره اهل یقین، برجسته ترین هدف نمایاندن ملکوت (سلطنت و مالکیت خداوند) آسمانها و زمین به او بوده است.

و كذلك نرى إبراهيم ملكوت السموت و الأرض و ليكون من الموقنين

* امام باقر (ع) درباره «و كذلك نرى ابراهیم ملکوت السموات و الارض» فرمود: خداوند چنان قوتی به بینایی ابراهیم (ع) داد که آسمانها و آنچه را در آنها بود، مشاهده کرد و عرش و مافوق آن و زمین و آنچه را زیر آن بود دید.

* از امام صادق (ع) روایت شده است: ... ابراهیم (ع) به ستاره زهره در آسمان نظر افکند و گفت: «این پروردگار من است» و هنگامی که غروب کرد ... گفت: «غروب کنندگان را دوست ندارم» و هنگامی که به مشرق نگریست ماه را در حال بر آمدن دید گفت: «این پروردگار من است» ... چون به حرکت درآمد و محو شد، گفت: «اگر پروردگار مرا هدایت نکند حتماً از گمراهان خواهم بود.» چون صبح شد و خورشید بر آمد ... گفت: «این پروردگار من است» ... وقتی که به حرکت درآمد و محو شد، خداوند برای او آسمانها را نمایان کرد تا اینکه عرش و ساکنان آن را مشاهده نمود و خدا ملکوت آسمانها و زمین را به او نمایاند ...».

آیه ۷۶

فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أَحِبُّ الْآفِلِينَ پس هنگامی که شب او را فرا گرفت، ستاره ای دید. گفت: این پروردگار من است. پس وقتی که غروب کرد، گفت: من غروب کنندگان را دوست نمی دارم.

*ستاره پرستی از آیینهای رایج در بین مردم زمان ابراهیم (ع)

رءا کوکبا قال هذا ربی

* ابراهیم (ع) با تظاهر به ستاره پرستی و استدلال جدلی به ابطال عقیده شرک قوم خود پرداخت.

فلما جن علیه الیل رءا کوکبا قال هذا ربی

* تظاهر به عقیده‌ای باطل برای ابطال آن مجاز است.

رءا کوکبا قال هذا ربی

* آنچه پنهان گردد شایسته پروردگاری نیست.

قال هذا ربی فلما أفل قال لا أحب الأفلین

* شایستگی ربوبیت جهان برای کسی که ثبات داشته و از موجودات دیگر تأثیر نپذیرد.

هذا ربی فلما أفل قال لا أحب الأفلین

* گرایش و محبت فطری انسان به خداوند افول ناپذیر و جاوید است.

فلما أفل قال لا أحب الأفلین

جمله «لا أحب...» - که بیشتر جنبه عاطفی و روانی دارد تا جنبه استدلالی - می‌تواند عنایت به موضوع فطری بودن گرایش به موجود زوال ناپذیر و همچنین گریز از زوال پذیر به عنوان «رب» باشد.

* امام رضا (ع) فرمود: ... ابراهیم (ع) با سه گروه برخورد کرد؛ گروهی که ستاره زهره را می‌پرستیدند ... «چون شب، ابراهیم (ع) را فروگرفت» و ستاره زهره را دید، به عنوان استفهام انکاری گفت: «این پروردگار من است؟» و چون ستاره غروب کرد گفت: «غروب کنندگان را دوست ندارم»؛ زیرا غروب کردن از صفات موجود حادث است نه قدیم ...».

آیه ۷۷

فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِغًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَئِنْ لَمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ پس هنگامی که ماه را در حال طلوع دید، گفت: این پروردگار من است. پس وقتی که غروب کرد، گفت: اگر پروردگارم مرا هدایت نکرده بود، قطعاً از گروه گمراهان بودم.

* مردم زمان ابراهیم (ع) ماه را «رب» و مؤثر در امور خود می‌پنداشتند.

فلما رءا القمر بازغا قال هذا ربی

* افول پذیری و پنهان شدن ماه، برهانی بر دخیل نبودن آن در ربوبیت عالم است.

فلما رءا القمر بازغا قال هذا ربی فلما أفل قال لئن لم يهْدِنِي رَبِّي

* هدایتگری از شؤون لازم برای «رب» است.

قال لئن لم يهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ

* اهل بابل به سبب پندار ربوبیت برای اجرام آسمانی و پرستش بتها، گمراه بودند.

أَتَتَّخِذُ أَصْنَامًا ... كَوَكْبًا ... الْقَمَرَ ... الْقَوْمِ الضَّالِّينَ

به گفته بسیاری از مفسران، احتجاج ابراهیم (ع) با مشرکان در سرزمین بابل روی داده است.

* امام رضا (ع) فرمود: ... ابراهیم (ع) با سه گروه برخورد کرد ... گروهی که ماه را می‌پرستیدند ... «پس آنگاه که ماه را تابان دید»، به عنوان استفهام انکاری گفت: «این پروردگار من است؟» ...».

* از امام باقر (ع) درباره سخن ابراهیم (ع) «لئن لم یهدنی ربی لأکونن من القوم الضالین» روایت شده است: (مراد از «القوم الضالین»، فراموش‌کنندگان میثاق الهی هستند).

آیه ۷۸

فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسُ تَارِغَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ پس هنگامی که خورشید را در حال طلوع دید، گفت: این پروردگار من است؛ این (از ستاره و ماه) بزرگ‌تر است. پس وقتی که غروب کرد، گفت: ای قوم من، بی‌گمان، من از آنچه (به وسیله آن) شرک می‌ورزید بیزارم.

* مردم زمان ابراهیم (ع) خورشید را در تدبیر امور خویش مؤثر می‌دانستند.

فلما رء الشمس بازغۃ قال هذا ربی هذا أكبر

* بزرگ‌تر بودن خورشید از ماه، بهانه ابراهیم (ع) برای عدول از ماه‌پرستی و تظاهر به پرستش خورشید

فلما رء الشمس بازغۃ قال هذا ربی هذا أكبر

* آنچه افول و تغییرناپذیر باشد، سزاوار مقام ربوبیت است.

هذا أكبر فلما أفلت قال

* ابراهیم (ع) در پی ابطال مستدل عقاید شرک‌آمیز قوم خویش، به صراحت از معبودهای آنان بی‌زاری جست.

فلما رء الشمس ... إني بریء مما تشرکون

* الوهیت بتها در کنار ربوبیت اجرام آسمانی، پندار رایج مردم زمان ابراهیم (ع)

أَتَتَّخِذُ أَصْنَامًا ... كَوَكْبًا ... الْقَمَرَ ... الشَّمْسُ

سخن ابراهیم (ع) با بت‌پرستان آن بود که «أَتَتَّخِذُ أَصْنَامًا ۚ إِلَهَةً»، ولی در مورد اجرام آسمانی سخن از ربوبیت آنهاست. تفاوت این دو تعبیر محتملاً اشاره‌ای به تفاوت بتها و اجرام آسمانی در پندار قوم ابراهیم است.

* از امام رضا (ع) روایت شده است: ... ابراهیم (ع) با سه گروه برخورد کرد ... گروهی که خورشید را می‌پرستیدند ... پس چون صبحگاهان خورشید را تابان دید از روی انکار و استخبار - نه از روی اخبار و اقرار - گفت: این پروردگار من است این، از ستاره زهره و ماه بزرگ‌تر است ... پس هنگامی که غروب کرد به گروههای سه‌گانه پرستنده زهره، ماه و خورشید گفت: «ای قوم من، من از آنچه شما شریک خدا می‌دانید، بیزارم» ...».

* از امام صادق (ع) سؤال شد آیا حضرت ابراهیم (ع) با گفتن «این پروردگار من است»، (خطاب به خورشید) مشرک شد؟ فرمود: نه ... این سخن از ابراهیم (ع) شرک نبود؛ زیرا او در جستجوی پروردگارش بود ...».

*از امام صادق (ع) روایت شده است: ... خداوند برای ابراهیم (ع) آسمانها را نمایان کرد تا اینکه عرش و ساکنان آن را مشاهده نمود و خدا ملکوت آسمانها و زمین را به او نمایاند، در این هنگام گفت: «ای قوم من، از آنچه شریک خدا می‌دانید، بیزارم» ...».

آیه ۷۹

إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ همانا من با گرایش به حق، روی خود را به سوی کسی کرده‌ام که آسمان‌ها و زمین را آفریده است، و من از مشرکان نیستم.

* تفکر در طبیعت و افول و تغییرپذیری آن، مایه درک ناتوانی پدیده‌های آن برای ربوبیت است.

کوکبا ... القمر ... الشمس بازغة ... وجهت وجهی للذی فطر السموت

* پدیدآورنده آسمانها و زمین شایسته ربوبیت و عبادت خالصانه است، نه پدیده‌های جهان.

لا أحب الأفلین ... إني وجهت وجهی للذی فطر السموت والأرض

*حنیف بودن ابراهیم (ع) زمینه رو کردن همه‌جانبه او به سوی خدای یگانه بود.

وجهت وجهی للذی ... حنیفا

«حنف» به معنای گرایش از گمراهی به راه مستقیم و حق است. (راغب). چون «حنیفا» حال برای فاعل «وجهت» است، توصیفی برای بیان ریشه و اساس این گرایش می‌تواند محسوب شود.

*اعتقاد به توحید و روی دل و جان به خدای یگانه کردن، مقتضای گرایش به حق و راه مستقیم است.

وجهت وجهی للذی ... حنیفا و ما أنا من المشرکین

* تفکر در پدیده‌ها و گذر از افول و زوال‌پذیری آنان به سوی خدای یگانه زوال‌ناپذیر، رؤیت ملکوت جهان است.

و کذلک نری إبرهیم ... لا أحب الأفلین ... إني وجهت وجهی للذی

آیات ۷۶ تا ۷۹ تفصیل «کذلک نری» می‌تواند باشد. یعنی این سیر - که سیری عقلانی و فکری است - همان رؤیت ملکوت است.

*توحید و شرک، ملاکی برای مرزبندی و طبقه‌بندی انسانها

إني بریء مما تشرکون ... و ما أنا من المشرکین

ابراهیم (ع) پس از بیان عقیده توحید و ابطال شرک، صف خود را از مشرکان جدا ساخته و بر آن تأکید ورزیده و در حقیقت، ملاکی برای طبقه‌بندی جوامع ارائه نموده است.

* ابراهیم (ع) هیچگاه در زمره مشرکان نبوده است.

و ما أنا من المشرکین

تأکید ابراهیم (ع) بر مشرک نبودن خویش می‌تواند به جهت زدودن این پندار که ادعاهای او در مورد «ربوبیت» اجرام آسمانی جنبه واقعی داشته است باشد.